

# پول شاد

هنر ژاپنی

آشتی کردن با پول و ثروت

کن هوندا

مترجم:

روزبه ملک زاده – غزال پارسا

## فصل چهارم: جریان مالی

### جریان پول شاد و پول ناراحت

پیش تر در این مورد صحبت کردیم که بسیاری از ما از چيستی پول درک محدودی داریم و باور داریم پول تنها همان نوع پول کاغذی و یا پول سکه‌ای است که گاهی اوقات از آن‌ها استفاده می‌کنیم. اما از آن جایی که برای چندین دهه است که از کارت‌های اعتباری برای اکثر تراکنش‌ها استفاده می‌کنیم و امروز نیز تلفن هوشمند اغلب کارهایمان را انجام می‌دهد، دیگر مفهوم پول را محدود به پول سکه‌ای و کاغذی نمی‌دانیم. دیگر برای خرید کردن به پول نقد نیاز نداریم. پول نقد به صورت یکپارچه از حسابی به حسابی دیگر سرازیر می‌شود. پس پول از کجا آمده است. اعتبار چنین پولی از کجا تامین می‌شود؟ در فصل‌های ۱ تا ۳ از زوایای مختلفی پول را بررسی کردیم. در درجه اول به این پرداختیم که پول برای شما چه معنا و مفهومی دارد و بعد به رابطه شما با پول پرداختیم. این که چگونه به پول نگاه می‌کنید، چگونه با پول ارتباط برقرار می‌کنید، و چه تجربیات مالی مختلفی دارید. کمک کردیم تا بتوانید پول را احساس کنید. در این فصل از شما می‌خواهم دریچه ذهنتان را بیشتر به روی مفهوم پول باز کنید. از شما می‌خواهم به پول به صورت یک انرژی که در اطرافتان در جریان است نگاه کنید. امروز به شیوه‌ای متفاوت با گذشته از پول استفاده می‌کنیم و معمولاً پول را به صورت مجازی استفاده می‌کنیم. چیزی می‌خریم و هزینه‌اش را می‌پردازیم. این پول به دست چه کسی می‌رسد؟ البته به دست کسی که از او خریداری می‌کنیم. اما مهم نیست این شخص را ببینیم یا نه. چه به صورت آنلاین و چه به صورت حضوری خرید کنیم پول یک مبادله و به اصطلاح یک جریان است. از این رو آن را «ارز» می‌نامیم. چنانچه پول انرژی است و دائماً در اطراف

ما در جریان است همه جا اعم از خانه‌هایمان، اجتماعات، و غیره جریان دارد. پول همه جا هست حتی اگر نتوانیم آن را ببینیم. شاید این مفهومی جدید بود و درکش برایتان دشوار باشد. اما باور دارم بعد از این، به همه چیز را با دیدی متفاوت نگاه می‌کنید. در شهر و محل زندگی‌تان می‌توانید انرژی خاصی را در اطرافتان احساس کنید. چرا؟ چون پول به سرعت و فراوان در اطرافتان جریان پیدا می‌کند. همه افراد در حال خرید بنزین برای خودروهایشان هستند. برای تهیه غذا به فروشگاه می‌روند. برای تماشای بازی یا دیدن فیلم به سینما می‌روند. انجام دادن هر کار و فعالیتی به پول نیاز دارد و میلیون‌ها شهروند برای مبادله کالا یا خدمات از پول استفاده می‌کنند. در همین حال شما در خانه چنین سطحی از انرژی را تجربه نمی‌کنید. اما چرا؟

فضاهای زیادی میان افراد و جاهایی که می‌توان در آن‌ها پول خرج کرد وجود دارد و این باعث پراکندگی و هدر رفت انرژی می‌شود. این موضوع به تفاوت میان دو کشور مختلف مربوط نمی‌شود. اگر از این که در کنار افراد ثروتمند قرار بگیرید احساس متفاوت بودن می‌کنید، یا تعجب می‌کنید چرا تمام افراد ثروتمند فقط با ثروتمندان دیگر معاشرت می‌کنند، پاسخ این است آن‌ها با یک جریان کار می‌کنند. جریانی که با سرعت و میزان یکسانی کار می‌کنند. پس چگونه می‌توانید پول شاد به دست بیاورید یا این که صاحب پولی پر انرژی و پر سریع شوید که در اطرافتان جریان پیدا کند. سوال دیگر این است که چگونه از پول غمگین اجتناب کنید؟ پولی که کم انرژی، با حرکتی کند، و در اندازه و مقادیر اندک است؟ چگونه این کار را به شما نشان می‌دهم. شاید در ابتدا برایتان غیر ممکن به نظر برسد و اندکی احساس سردرگمی کنید. اما به من اعتماد کنید و به پول به عنوان یک جریان انرژی نگاه کنید. و این گونه این مفهوم برایتان ساده‌تر به نظر می‌رسد. شاید مفهومی که قرار است با شما در میان بگذارم شما را اندکی شوکه کند. اما من تنها

کسی نیستم که این طرز فکر را دارم. افراد و متخصصان بسیاری هستند که پیش از من نیز چنین دیدگاهی داشته‌اند. این دیدگاه به این صورت است که شما مسئول انرژی هستید که به پولتان آن تزریق می‌کنید. شما می‌توانید به معنای واقعی کلمه پول (جرم) و جریان (سرعت) خود را با شدت انرژی مخصوص خود شارژ کنید. در صورتی که پولتان را با انرژی مثبت شارژ کنید، شاهد افزایش پول و جریانش خواهید بود. این قانون جهان هستی است. بنابراین برای به دست آوردن پول شاد چه کاری می‌کنید؟ «قدردانی!» بله قدردانی! به همین سادگی.

### جریان پول شاد

می‌توانید به سادگی با قدردانی و سپاس‌گزاری گردش پول شادتان را افزایش دهید. وقتی برای کاری که آن را به خوبی انجام داده‌اید دستمزد دریافت می‌کنید آن را با قدردانی و صمیمانه بپذیرید. این گونه پولتان با سرعت بیشتری جریان پیدا می‌کند. این قانون در مورد افرادی که با شما کار می‌کنند چه رئیس‌تان باشد، چه همکار، یا کارمندان صادق است. زمانی که کسی از شما قدردانی می‌کند و وقتی به کارتان ارزش داده می‌شود، شما مهم شمرده می‌شوید و این مهم شمردن معادل انرژی است. یک انرژی مثبت انرژی مثبت و در نتیجه پول شاد. به همین ترتیب زمانی که مراجعین و مشتریانان نیز به خاطر کار، محصولات، خدمات، و حتی به خاطر برخورد حرفه‌ای قدردانتان هستند، در یک جریان مثبت از پول شاد قرار می‌گیرید. زمانی که نسبت به کاری که انجام می‌دهید احساس شادی می‌کنید، از کار کردن در کنار همکاران، مراجعین و مشتریانان لذت می‌برید، به آن‌ها افتخار می‌کنید و سخاوتمندانه بابت اینکه با چنین افرادی در ارتباط هستید تشکر می‌کنید، به طور مثبت جریان پول شارژ شاد را در زندگیتان شارژ می‌کنید.

زمانی که از کار کردن با دیگران احساس لذت و افتخار می‌کنید، به طرز مثبتی جریان پول شادتان را شارژ کرده و افزایش می‌دهید. و بله! این جریان پول شاد و مثبت نه تنها زمانی که پول به زندگی‌تان وارد می‌شود، بلکه وقتی هم که پول را خرج می‌کنید به شما دست می‌دهد. وقتی پولتان را به خاطر بهره‌مند شدن از کالا، محصولات، یا خدماتی عالی صرف می‌کنید خواه لباسی جدید باشد، خواه غذا خوردن در یک رستوران یا خرید فیلمی که به تازگی روی پرده سینما آمده است و از این‌که این خدمات را پیدا کرده‌اید هیجان‌زده و خوشحال می‌شوید، جریان پول مثبتتان را افزایش می‌دهید. هر زمان که برای خدمات، محصولات، و کالاهایی که خرید کردید احساس شادی، هیجان، و قدردانی نشان دهید، جریان پول مثبت را به دنیا عرضه می‌کنید. وقتی هم به دوستانتان پول می‌دهید، به یک خیریه کمک مالی می‌کنید که باعث ایجاد تفاوت و حرکتی مثبت می‌شوید، یا در استارت‌آپی محلی سرمایه‌گذاری می‌کنید که در نهایت به جامعه یا جهان خدمتی می‌کند، جریان پول شاد را نه فقط در زندگی خود، بلکه در زندگی تمام اطرافیانتان و تمام افراد جهان ایجاد می‌کنید.

### احساس کردن و پایش جریان پول

با نگاهی دقیق به دنیای اطراف، شاهد جریان پول و گردش آن هستید. مگر این‌که همان طوری که در فصل‌های پیش گفتیم برای خود سبکی از زندگی را انتخاب کرده باشید که در نقاط دور افتاده و بدون دسترسی به پول باشد. در کودکی با پدرم به یک مرکز خرید رفتیم. او از من خواست ورودی چندین فروشگاه را بررسی کنم و تعداد مشتری‌های هر فروشگاه را بشمرم و سپس آن‌چه را که دیده بودم برایش توضیح دهم. من مراجعین زیادی را دیده‌ام که به فروشگاه‌ها وارد و یا از آن‌ها خارج می‌شدند. و فکر می‌کردم سرعت

وارد شدن یا خارج شدن مشتریان از فروشگاه نشان دهنده موفق بودن آن کسب و کارها و داشتن پول بیشتر است. اما پدرم به نکته‌ای اشاره کرد. تنها کمیت جریان مهم نیست، قیمت خرید هم مهم است. فروشگاه‌های مختلفی با تعداد مراجعین و مشتریان مختلف و کالاهای مختلفی وجود داشتند. فروشگاه‌های ماهی و سبزی شلوغ‌ترین فروشگاه‌ها بودند که به نظر می‌رسید در آن‌ها جریانی دائمی از مشتریان وجود دارد، اما خیلی زود متوجه شدم کالاهایشان را به قیمت ارزانی عرضه می‌کنند. سپس به فروشگاه تشک نگاه کردم و متوجه شدم که مشتریان زیادی ندارد. اما با بررسی بیشتر دریافتم تنها با فروش یک تشک می‌تواند روزها مخارج خانواده‌اش را تأمین کند. در کنار این فروشگاه‌ها یک آژانس املاک و مستغلات بود که مسلماً با هر فروش خانه بازدهی بیشتری از سایرین داشت. اگر یک مشاور املاک تنها یک خانه را به فروش برساند می‌تواند تا ماه‌ها مخارج زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین کند. آن روز در فروشگاه درس بزرگی یاد گرفتم. شلوغ بودن کسب و کار، الزاماً به معنای موفقیت آن تجارت نیست. و این برای یک کودک درسی چشمگیر و بزرگ بود که در ذهنم ماندگار شد. در مراکز خرید فروشگاه‌های متفاوتی قرار دارند، اما قوانین مالی در همه جا یکسان است. تنها به عنوان یک تمرین می‌توانید به نزدیک‌ترین مرکز خرید بروید، در آن جا بنشینید، و نظاره‌گر جریان پول اطرافتان باشید. ببینید چه کسانی خرید می‌کنند، و چند نفر به فروشگاه‌ها وارد شده و از آن‌ها خارج می‌شوند. اگر بتوانید انرژی یا جریان پول را احساس کنید، دیدتان به سمت چیزهایی باعث می‌شود که پیش از این باز نشده بود.

پول یک جریان است: ورودی بیشتر، خروجی بیشتر به همراه دارد

جریان پول در زندگی جریانی شبیه جزر و مد است. احتمالاً می‌توانید زمانی را به خاطر بیاورید که حساب بانکی سرشاری داشتید و بابتش احساس امنیت و آرامش می‌کردید. مواقعی هم وجود داشته که حساب بانکیتان پر از پول بوده، اما بیشتر از چیزی که به دست آورده‌اید، خرج کردید. در نتیجه احساس کردید پول از کنترلتان خارج شده و ترس و اضطراب بر شما چیره شده است. احتمالاً مواقعی هم بود که اصلاً پولی در حسابتان نداشتید و احساس سرگستگی و ناامیدی می‌کردید. ضرب المثلی می‌گوید: «پول آسان به دست می‌آید و آسان هم از دست می‌رود.» این درست است! پول هم ساده به دست می‌آید و هم ساده از دست می‌رود. درست همان طور که برای زنده ماندن باید غذا بخوریم و همچنین باید اضافی غذا را دفع کنیم و انرژی آن را آزاد کنیم، جریان مالی هم همین شکل را دارد و این قانونی طبیعی است. درست همان طور که کنترلی روی جزر و مد طبیعت نداریم، نمی‌توانیم عمداً جریان پول را هم کنترل کنیم. همان طور که نیروی گرانش کنترل جزر و مد را بر عهده دارد، اقتصاد نیز مسئول کنترل کردن نوسات و بالا و پایین رفتن پول است. درک این موضوع که پول همواره به سمت ما سرازیر نمی‌شود باید احساس آرامش و قدردان را برایمان به ارمغان بیاورد. زمانی که پول جریان پیدا کرد، باید بابتش قدردانی کنید و از آن لذت ببرید. وقتی هم که سرمایه‌گذاری می‌کنید، یا پولتان را خرج می‌کنید، مجدداً باید احساس قدردانی و سپاس‌گزاری داشته باشید. زیرا می‌دانید آزاد سازی می‌تواند شادی را برایتان به ارمغان بیاورد و به روند جریان یافتن قانون طبیعت کمک کند. بدانید پولی که می‌رود، مجدداً از راهی دیگر به سمتتان بازمی‌گردد.

## جریان پول، یک جریان خنثی است

یکی از بزرگ‌ترین معماها در مورد جریان پول این است که: «دریافت‌کننده نهایی پول کیست؟» شاید تکان دهنده باشد که بدانید افراد بدخلق، فاسد، نامهربان، و بی‌وجدان می‌توانند ثروتمند شوند. می‌توانیم امیدوار باشیم افراد خوب، مهربان، و با اخلاق هم ثروتمندتر شوند. اما واقعیت این است که اغلب این طور نیست. همان طور که بیشتر ما از روی تجربه شخصی این را می‌دانیم، پس چگونه است که افراد به ظاهر بد این همه پول دارند؟

## تبدیل شدن به آهنربای پول

مربی‌ام به من آموخت در حالی که پول انرژی است، انسان‌ها هم مانند آهن‌ربا هستند. در طبیعت نیرویی به نام نیروی مغناطیسی داریم که انرژی را از یک منبع به منبع دیگر تبدیل می‌کند. افرادی که آهن‌ربای پول هستند، یعنی افرادی که به نظر می‌رسد در مسیر مستقیم جریان پول قرار گرفته‌اند، لزوماً نباید از نظر اخلاقی عادل بوده یا افرادی درست کار باشند. قانون طبیعت برای همه اجرا می‌شود. به عنوان مثال یک سنگ می‌تواند روی سر یک انسان خوب، و یا روی سر فردی انسان شرور بیوفتد. پول نیز نسبت به کسی سوگیری خاصی ندارد. افراد را از روی خوب یا بد بودنشان قضاوت نمی‌کند و به سادگی به هر سمتی کشیده شود، به همان جا می‌رود. از آنجایی که انسان‌ها، شرکت‌ها، و کشورها درست مانند آهن‌ربا یا نیرو هستند، این قدرت را دارند تا جریان پول را به سمت خود بکشانند. شاید با خود بگوییم عادلانه نیست زمانی که فردی فاسد، یک مؤسسه خاص، یا یک کشور خاص وضعیت مالی بهتری از ما داشته باشد. هر چند هم که ما آن را خلاف انصاف بدانیم، اما پول مانند قوانین طبیعت خوب و بد نمی‌شناسد. و زمانی که



به مربی‌ام گفتم: «این عادلانه نیست!» تنها لبخندی زد و گفت: «پول خدا نیست و تنها یک انرژی خنثی است!» دو نوع قدرت مغناطیسی وجود دارد که هر دو توان یکسانی دارند. در مورد مشارکت هم همین طور است: خوب و بعد جاذبه مشابهی دارند. پول هم شبیه آن است. پول انرژی است و می‌تواند به سمت افرادی با مغناطیسی که آن را جذب کنند کشیده شود. اما این افراد مغناطیسی چه کسانی هستند این افراد آهن‌ربای پول هستند. آهن‌ربای پول اصطلاحی است که برای توصیف کردن افراد بسیار ثروتمند به کار می‌رود. این افراد تمایل زیادی به کسب درآمد دارند و عاشق پول هستند. آن‌ها باور دارند شایسته و لایق دریافت کردن پول هستند. این افراد در مورد پول فکر می‌کنند و به راه‌هایی برای یافتن، ساختن، و پیدا کردن و بودن در کنار پول فکر می‌کنند. بسیاری از این افراد دوران کودکی سختی داشتند و با این ایده بزرگ شده‌اند که پول نجاتشان داده و به آن‌ها آرامش می‌دهد. پول کمک می‌کند تا تمام بی‌عدالتی‌هایی که در حقشان شده برطرف شود. تقریباً گویی حفره‌های عمیقی در قلبشان ایجاد شده است.

این سیاه چاله‌های قلبی کشش مغناطیسی قدرتمندی دارند. ب‌ه‌همین دلیل است که هنرمندان، کلاهبرداران، و افراد به ظاهر بد یا بی‌اخلاق می‌توانند پول کسب کنند و همچنان به کسب درآمد ادامه دهند. با این حال از برخی جنبه‌ها این کار مانند ورق بازی با شیطان است. همان طور که گفتیم پول همیشه در افت و خیز است. بنابراین هرچه پول بیشتری داشته باشید، ممکن است پول بیشتری هم از دست بدهید. به طور معمول ترس از دست دادن پول در نهایت جریان مالی را مختل می‌کند. اما پس از این که پول را از دست دادیم آن را بیشتر و بیشتر طلب می‌کنیم و این کشش مغناطیسی یک بار دیگر اتفاق می‌افتد. درست مانند چرخه‌ای بی‌پایان است. و برعکس به نظر می‌رسد افرادی که از پول نفرت دارند، آن را دفع می‌کنند. این افراد نیز دوران کودکی سختی داشتند اما به

آن‌ها آموخته‌اند که پول سرچشمه تمام مشکلات، دغدغه‌ها، و نگرانی‌ها است. آن‌ها آرزو می‌کنند چیزی به نام پول وجود نداشته باشد و دقیقاً همان را هم به دست می‌آورند.

### تبدیل شدن به آهنربای مثبت

البته افراد خوب هم می‌توانند به آهنربای قدرتمندی برای جذب جریان پول تبدیل شوند. این کار با انتشار دادن انرژی مثبت ایجاد می‌شود. افرادی که نگرش مثبت دارند، این انرژی را ساطع کرده و توانایی جذب کردن من پول را هم دارند. دوست داشتن کاری که انجام می‌دهید، ابراز کردن تشکر، سپاس‌گزاری، شادی، و قدردانی جریانی باورنکردنی از پول را به سمتتان سرازیر می‌کند. شاید دیده باشید صاحبان رستوران‌هایی که عاشق آشپزی و خدمت‌رسانی به مشتریان‌شان هستند، افراد و مشتریان بیشتر و در نتیجه پول بیشتری را به سمت خود جذب می‌کنند. خشک‌شویی که اشتیاق زیادی به از بین بردن لکه‌ها و تمیز کردن لباس‌ها دارد احتمالاً بیش از سایرین مشتری و متعاقباً پول جذب می‌کند. وکلایی هم که عاشق خدمت کردن به دیگران و زنده کردن عدالت هستند، بدون شک ثروتمند خواهند بود. افرادی که دارای عشق انرژی مثبت و شفقت فراوان هستند به طور طبیعی جذاب و فریبنده هستند. و این تصادفی نیست که ما جذب افراد خوش مشرب می‌شویم. اگر بخواهید بین دو گل فروشی که یکی از آن‌ها عاشق گل و عاشق ایجاد کردن بهترین چیدمان برای گل است، و گل فروشی که تنها این کار را از روی شغل و وظیفه انجام می‌دهد یکی را انتخاب کنید ترجیح‌تان کدام است؟ این واقعاً جادو است که افراد خوب و پرشور و مشتاق مشتریان بیشتر و در نتیجه پول بیشتری را به سمت خود جذب می‌کنند. و ما نتیجه می‌گیریم که این افراد در طول زمان بدون شک

ثروتمند می‌شوند. شاید این لزوماً یک اولویت یا هدف نباشد، اما کسب درآمد بیشتر می‌تواند پاداش دوست داشتن و خدمت کردن به مردم باشد.

### وقتی ورودی مالی نسبت به خروجی آن بیشتر باشد

به طور معمول زمانی که پول بیشتری نسبت به پولی که خرج می‌کنیم کسب می‌کنیم، احساس خوبی به زندگی داریم و احتمالاً نسبت به کاری که انجام می‌دهیم، هیجان‌زده می‌شویم. گاهی اوقات شاید طاقت فرسا به نظر برسد، اما در بیشتر موارد خوب و سرگرم‌کننده است. در واقع این برهه از زمان برهه‌ای از زندگی است که باید از آن لذت ببریم. تمام کارهایی که در گذشته انجام دادیم به عنوان پاداش تلاش و خدماتمان به سویمان سرازیر می‌شوند و این نشانه واضحی است که ما در حال انجام دادن کاری هستیم که باید انجامش دهیم. این کار خدمت کردن به مردم و شاد کردن آنها است. درست در این زمان باید به فکر سرمایه‌گذاری پول برای آینده‌مان باشیم؛ زیرا همان طور که می‌دانیم افت و خیز جریان پول بسیار طبیعی است. شاید بخواهیم برای کارمان تجهیزات جدیدی بخریم، چیزهای جدیدی یاد بگیریم، و سرگرمی‌های جدیدی پیدا کنیم. با این حال اکثر مردم از این فرصت برای لذت بردن از پولشان یا سرمایه‌گذاری برای آینده خود استفاده نمی‌کنند. این افراد فکر می‌کنند جریان افزایشی پول برای همیشه ادامه خواهد داشت و بر مبنای آن استاندارد زندگی خود را بالا می‌برند و یک بار دیگر خود را درگیر تقلا کردن برای زنده ماندن می‌کنند؛ زیرا فراتر از حد توانشان در حال زندگی کردن هستند. و همه می‌دانیم وقتی عادت کنیم بیشتر از حد توانمان خرج کنیم، مهار کردن چنین عادت‌هایی برایمان دشوار می‌شود. بسیاری از افراد حتی پس از آن که از انجام این کار ناتوان می‌شوند، همچنان تقلا می‌کنند سرگرمی‌های پیشین را داشته باشند، مهمانی برپا کنند،

و به دوستان و اطرافیان هدایای مجلل دهند؛ زیرا به انجام این کار عادت کرده‌اند. با این حال زمانی که جریان پول مجدداً کم می‌شود، این روند برایشان فاجعه بار است. آنها شکایت می‌کنند و با خود می‌گویند: «این چه وضعی است؟ آیا باید مالیات پردازند؟ چرا هزینه صورت‌حساب‌های پزشکی تا این حد گران شده است؟»

### وقتی پول کمتر از مقدار مورد نیازمان در جریان است

تقریباً همه ما در چنین شرایطی قرار گرفته‌ایم و با قاطعیت می‌توان گفت این یکی از ترسناک‌ترین و وحشتناک‌ترین دوران زندگی ما است. همه ما با این احساس فیزیکی آشنا هستیم. احساسی که با درد و ناراحتی‌های مالی گره خورده است. در این شرایط، در معده خود درد شدیدی احساس می‌کنید، فشاری که مانند یک نوار به دور قفسه سینه می‌پیچد و فشرده و فشرده‌تر می‌شود. شاید پس از یک فروش مهم و عالی دستمزد و کمیسیون را که باید دریافت نکرده‌ایم. شاید به ناگاه برای تعمیر یکی از ابزار و وسایل خانه به مبلغی نیاز داشته اما دست ما برای پرداخت هزینه‌ها خالی بوده است. شاید مانند بسیاری موارد دیگر وام‌های دبیرستان، وام مسکن، و غیره جوری برایمان به نظر می‌رسیده که توانایی پرداختش را نداشتیم. اغلب ما با چنین مسائلی روبرو شدیم. اما به باور من، نحوه مواجه شدن با این مسائل است که یک نتیجه مثبت را تضمین می‌کند. هیچ کس نیست که با مشکلات مسائل و نگرانی‌های مالی نا آشنا باشد. موقعیت‌های پراسترس یکی از بزرگ‌ترین معلمان ما هستند. آن‌ها درس بزرگی به ما می‌دهند و می‌گویند به چه چیزهایی نیاز داریم، چه آرزویی داریم، و چه چیزی موجب رشد ما می‌شود. بله. گاهی اوقات رشد کردن درد دارد. به همین دلیل است که به چنین دردهایی دردهای ناشی از رشد می‌گوییم و همه ما از چنین دردهایی عبور می‌کنیم. اگر مجرد هستید و سبک

زندگی متوسطی برای خود انتخاب کرده‌اید، احتمالاً زندگی‌تان به گونه‌ای طراحی شده که دغدغه‌های مالی اندکی دارید. پس خوشا به حالتان! به همین صورت ادامه دهید! اما به احتمال زیاد شماهایی که در حال خواندن این کتاب (گوش دادن به این فایل صوتی) هستید، استرس مالی بسیاری را متحمل شده‌اید. مطمئن هستیم و درک می‌کنم در صورتی که ازدواج کردید و صاحب فرزند هستید، فشار مالی مضاعفی را بر روی خود احساس می‌کنید. در واقع این فشار همواره با شما است. درست مثل حسی فراگیر که هرگز از بین نمی‌رود. و به نظر می‌رسد با بزرگ شدن کودکان این استرس و فشار هم افزایش پیدا می‌کند. ناگهان اسباب بازی‌هایی که بچه‌هایتان می‌خواهند گران‌تر می‌شوند، تقاضاهایشان افزایش پیدا می‌کند، بلیت کنسرت می‌خواهند، تلفن هوشمند می‌خواهند، کامپیوتر، هدفون، ماشین و حتی شاید سفرهای خارج از کشور می‌خواهند. و این لیست بی‌پایان و گران قیمت است.

بهتر است به هزینه‌های کالج هم اشاره کنم. این هزینه‌ها به قدری سنگین هستند که گویی همیشه در لبه نابودی یا سقوط مطلق هستید. شاید با از دست رفتن یک مشتری شغل‌تان را از دست بدهید و در مورد این که پول‌هایتان به کجا رفته‌اند با همسرتان جر و بحث داشته باشید. شاید هم راهی جز طلاق پیش رویتان نماند. اما به یاد داشته باشید تمام این موقعیت‌ها موقتی هستند. به خود یادآوری کنید درآمد بیشتر داشتن، لزوماً راه‌حل رفع مشکل‌تان نیست. همان طوری که می‌دانیم هر چه افراد درآمد بیشتری داشته باشند، تمایل بیشتری هم به خرج کردن پولشان دارند. بهتر است از این زمان به عنوان دوره‌ای برای اندیشیدن در مورد خود و رشد کردن استفاده کنید. ببینید برای افزایش یافتن جریان پول در زندگی‌تان باید چه کاری انجام دهید. سپاس‌گزار بودن و قدردانی

کردن به خاطر داشته‌هایتان بهترین نقطه شروع است. سپس روی تجربیاتی تمرکز کنید که به شما احساس شادی، اشتیاق، و نشاط می‌دهند.

### وقتی جریان ورودی و خروجی مالی با هم افزایش پیدا می‌کنند

چنانچه پول بسیاری در زندگی‌تان جریان دارد و پول زیادی هم خرج می‌کنید طبیعی است که کاملاً احساس اعتماد به نفس کنید. شما دوران سختی را که پیش‌تر در موردش صحبت کردیم از سر گذرانده‌اید. درس‌های مهم و ضروری بسیاری را آموخته‌اید که اکنون می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید. احتمالاً اکنون در مدیریت کردن هزینه‌هایتان خبره شده‌اید و تصمیم می‌گیرید پولتان را به روش‌های معنی‌داری سرمایه‌گذاری کنید. در حالی که پیش‌تر رشد کردن برایتان دردناک بوده، اکنون امری بدون دردسر و درد و رنج به نظر می‌رسد. بر خلاف وضعیت پیشینتان، اکنون انتخاب‌های متعددی پیش رو دارید. بسته به میل و تمایلتان به ریسک کردن می‌توانید تصمیم بگیرید سرعتتان را آهسته کنید و یا روی پدال گاز فشار داده و شتاب بگیرید و چنانچه ترمز کنید زندگی‌تان آرام‌تر از همیشه می‌شود. اما اگر می‌خواهید سطح زندگی‌تان را ارتقا دهید و زندگی فردی و حرفه‌ایتان را به سطحی بالاتر برسانید، اکنون بهترین زمان برای انجام این کار است. اگرچه همواره خطر وجود دارد، اما معمولاً لذتش به دردسر آن می‌چربد.

### وقتی جریان ورودی و خروجی مالی با هم کاهش پیدا می‌کند

این همان چیزی است که آن را حالت استراحت می‌گوییم. اکثر ما چنین حالتی را تجربه کرده‌ایم. این حالات معمولاً منعکس‌کننده عمل نکردن یا عدم ابتکار عملمان هستند. به نظر می‌رسد ما درگیر کار یا فعالیت خاصی نیستیم. اما چرا این چیزها اتفاق می‌افتند؟

برخی از ما ممکن است پس از سال‌ها تلاش دچار فرسودگی شویم. یا این‌که بیش از انجام کار به دنبال مبارزه با استرس باشیم. اینجا است که نیروهای روانی عمیقی به کار می‌افتند. افرادی که حس می‌کنند به اندازه کافی خوب نیستند، لایق نیستند، یا این‌که سزاوار چیزی نیستند، تمایل دارند از زندگی روزمره اجتناب کنند. اضطراب و ترس هر لحظه گریبانشان را می‌گیرد. نه پولی کسب می‌کنند و نه پولی خرج می‌کنند. به نظر می‌رسد این شرایط برایشان کار می‌کند. مجبور نیستند درد از دست دادن، درد رشد کردن، یا حتی گاه به گاه شکست خوردن و ناامیدی را تجربه کنند. چنانچه این تجربه برایتان آشنا به نظر می‌رسد، آیا حس می‌کنید می‌توانید چنین رویه‌ای را تا آخر عمر ادامه دهید؟ آیا از این سبک زندگی خسته نشده‌اید؟ اگر همواره خود را خسته و بی‌علاقه می‌بینید ممکن است این زمان بهترین زمان برای شروع کردن هر چیزی در زندگی‌تان باشد. هر چه کار بیشتری انجام دهید، درآمدتان و متعاقباً هزینه‌هایتان هم افزایش پیدا می‌کنند. اما در نتیجه این تجربه، ذات انسانی بیشتری هم کسب می‌کنید. و اما بله! مسلماً برخی از این تجربیات استرس‌زا هستند. اگر تنها دلالتان برای اجتناب کردن از کسب درآمد یا خرج کردن پول اجتناب کردن از ترس است پس توصیه می‌کنم آماده باشید. استرس داشتن بخشی طبیعی از زندگی است.

### ثروت دارای دو بخش است: دارایی (سرمایه) و گردش مالی

می‌توانید ثروت را به دو بخش دارایی و گردش مالی تقسیم کنید. دارایی مجموعه‌ای از پس‌انداز، سهام، اوراق قرضه، و املاک و مستغلات است. تمامی این موارد به حفظ چیزی که آن را دارایی خالص یا ارزش مالی می‌نامیم کمک می‌کنند. برخی از این اقلام ملموس بوده و برخی دیگر تنها اعداد و ارقامی در دنیای دیجیتال هستند که می‌توانند به چیزهایی

دیگر تبدیل شوند. شما می‌توانید مواد غذایی و سایر کالاهایتان را با دارایی خود خرید کنید. دارایی مانند سهام، اوراق قرضه، سود سهام، و غیره پول تولید می‌کنند. انواع دیگر دارایی به سادگی ارزش پولتان را حفظ می‌کنند. اما ممکن است چیزی برایتان تولید نکنند، مگر این‌که فروخته شده یا معامله شوند. مواردی مانند کارهای هنری، ماشین‌های کلاسیک، جواهرات و طلا. گردش مالی درآمدتان است. اگر دارایی دارید می‌توانید از آن کسب درآمد کنید، اما اگر این کار را نکنید باید با کار کردن کسب درآمد کنید و زندگی‌تان به این بستگی دارد که چه نوع جریان مالی را برای خود ایجاد می‌کنید. در صورتی که جریانی سرگرم کننده و شاد ایجاد کنید، می‌توانید شادی و هیجان را در زندگی روزمره احساس کنید. چنانچه دارایی کافی دارید، جای نگرانی نیست. وقتی به پول فکر می‌کنید به راحتی می‌توانید دارایی و گردش مالی را با هم در نظر بگیرید. اکثر مردم پول را تنها به عنوان گردش مالی می‌بینند.

بنابراین هرگز به دارایی‌هایشان توجه نمی‌کنند. افراد شاغل شغلشان را به عنوان منبع درآمد می‌بینند. آن‌ها ممکن است بودجه خود را به این صورت نگاه کنند که ورودی مالیشان باید بیشتر از خروجی آن باشد. اما به گردش مالی به شیوه‌ای درست فکر نمی‌کنند که در نهایت جریان مالی‌شان را از بین می‌برد. افراد شاغل بدون این‌که اطمینان داشته باشند به صورت خودکار برای باقی عمرشان انتظار یک جریان مالی ثابت دارند. آن‌ها این‌گونه فکر می‌کنند و با خود می‌گویند: «من کار دارم! بنابراین برای زندگی آماده هستم!» اما ناگهان پس از اینکه اخراج می‌شوند، یا شغلشان را از دست می‌دهند، شگفت زده می‌شوند. چنانچه ماهیت آشفته گردش مالی را درک کنید می‌دانید برای همیشه قابل تضمین نیست. زمانی که این مفهوم را متوجه شوید بهتر می‌توانید خود را برای آینده آماده کنید. اما واقعیت تلخ این است که اغلب ما این‌طور فکر نمی‌کنیم. معمولاً



این واقعیت را در خانواده خود نمی‌آموزیم. خانواده به ما می‌گویند: «به مدرسه بروید، درس بخوانید، کاری پیدا کنید، تا برای زندگی آماده شوید و بتوانید زندگی را بگذرانید!» اما وقتی در صنعتی که مشغول به کار هستیم با اختلال مواجه می‌شویم، یا دیگر خدمات ما به درد جامعه نمی‌خورد، شگفت زده می‌شویم. ایمان و باور کور و ایمان و باور واقعی دو چیز کاملاً متفاوت هستند. ایمان کور یا اشتباه چنین می‌گوید: «همه چیز درست می‌شود و انتظار تغییر داشته باشید!» اما ایمان واقعی مستلزم آن است که به خود و توانایی‌هایمان باور داشته باشیم، از دانش مالی‌مان استفاده کنیم تا مطمئن شویم می‌توانیم همواره رو به جلو و در جهت مثبت حرکت کنیم.

چنانچه یک فریلنسر هستید می‌دانید حجم کاری گاهی اوقات بالا و پایین می‌شود. گاهی اوقات انواع و اقسام پروژه‌ها به شما پیشنهاد می‌شود و گاهی روزها و ماه‌ها در انتظار یک پروژه می‌مانید. بنابراین طبیعتاً درآمدها نیز در نوسان است. فریلنسرهای باتجربه نسبت به اکثر کارمندان حقوق بگیر از ماهیت غیر قابل اعتماد گردش مالی آگاهی بیشتری دارند. بنابراین در زمان افت و خیز درآمدها کاملاً آماده هستند. آن‌ها انتظارات ساده لوحانه یا باور کورکورانه‌ای ندارند که فکر کنند درآمدها همیشه صد در صد تضمین شده است. تجربه به آن‌ها نشان داده است که هیچ چیز تضمین شده نیست. اگرچه آن‌ها نسبت به کارمندان حقوق بگیر کم‌تر ساده لوح هستند، در عوض در حالتی از نگرانی دائمی به سر می‌برند که همه ما می‌دانیم نگرانی سالمی نیست.

### به دنبال حالت بهینه: دریاچه و جریان

مفهوم دریاچه و جریان مفهوم فراوانی است. زمانی که در وضعیت فراوانی به سر می‌بریم، احساس می‌کنیم به اندازه کافی دارایی داریم تا ما را برای مدت طولانی ایمن و تحت

پوشش نگه دارد و در عین حال سرازیر شدن مداوم گردش مالی را حفظ کند. بسیار احساس خوبی است. اگر تا به حال در چنین موقعیتی قرار گرفته‌اید می‌دانید لازم نیست نگران گردش مالی روزانه‌تان باشید. درست مانند یک دریاچه بزرگ پر از آب که از جریان آب شیرین تغذیه می‌شود، تا سال‌های آینده برایتان وجود دارد و می‌توانید روی این واقعیت حساب کنید که پول و فراوانی همراهمان هست. این موقعیتی است که امیدوارم روزی در آن قرار بگیرید. نکته کلیدی این است که دارایی و گردش مالی کافی را حفظ کنید تا نه تنها برای خود بلکه برای دیگران نیز قابل استفاده باشد.

### اما راکد نشوید: برکه و جریان اندک

اگر دارایی کافی داشته باشید، اما گردش مالی زیادی نداشته باشید، پولتان به یک حوضچه با جریان اندک تبدیل می‌شود. بنابراین شما به پولی که دارید می‌چسبید. پول به اندازه‌ای که باید وارد نمی‌شود و در عوض جریان خروجی پول زیاد است. و بر سر برکه‌ای که تصفیه نشود چه می‌آید؟ مسلماً آبش می‌گندد! نمونه‌های زیادی در ادبیات و تاریخ وجود دارد که به این پدیده اشاره می‌کند. داستان «ابنزر اسکروچ» ( Ebenezer Scrooge) اثر «چارلز دیکنز» برای همه آشناست. اسکروچ مردی ثروتمند با گردش مالی و دارایی فراوان بود که پولش را احتکار می‌کرد. و تمام زندگی‌اش به تدریج از بین رفت. او عشقش را از دست داد. تنها دوستش «جیکوب مرلی» (Jacob Marley) را از دست داد. او با کارمندش به طرز وحشتناکی رفتار می‌کرد. تنها راه برای تمیز کردن حوضچه کدر و گل آلود خارج کردن آب و فیلتر کردن آن است. اگر پولی را در حوضچه خود احتکار می‌کنید، باید آن را برای خود، برای دیگران، و خیریه و افرادی که به آنها اهمیت می‌دهید خرج کنید. هیچ فیلتری بهتر از خرج کردن برای پول وجود ندارد.

لذت بردن از پول از در جریان بودنش حاصل می‌شود

می‌خواهم دو نوع انسان را تصور کنید: اولین کسی است که پول زیادی در بانک دارد، اما به هیچ عنوان نمی‌خواهد آن را خرج کند یا در فعالیتی شرکت کند. دیگری هم پول زیادی بدست می‌آورد و آن را برای کارها و رویدادهای هیجان انگیز زندگی خرج می‌کند. بسیار واضح است که زندگی کدام یک سرگرم کننده‌تر است. ما سرگرمی و شادی را در دل تجربیاتمان به دست می‌آوریم و جریان پولی که آمیخته با شادی و هیجان باشد بسیار بهتر است. این یکی از بزرگ‌ترین سیستم‌های فیلترسازی جریان مالی در اطراف ما است.

سرمایه با ثبات اما خسته کننده است

چنانچه به اندازه کافی خوش شانس باشید که خانه و دارایی فراوان داشته باشید، یا ارثیه کلانی از سوی پدر بزرگ یا مادر بزرگتان به شما رسیده باشد، در صورتی که در زندگی فعالیت خاصی انجام ندهید خوشحال و شاد نخواهید بود. به هیچ عنوان قرار نیست پول شاد و خوشبختتان کند. خوشحالی و خوشبختی از دل تجربیاتمان بیرون می‌آید. خوشبختی به معنای بودن در کنار دیگران یا انجام دادن کارهایی است که به زندگی‌تان معنی ببخشند. خوشبختی حاصل فعالیت کردن و همچنین کسب درآمد و مشارکت نمودن در ایجاد کردن جریان و گردش مالی است. اکثر افرادی که پول زیادی به ارث می‌برند، این نکته را عمیقاً درک می‌کنند. در صورتی که فعالیتی نداشته باشیم، کسالت و ناامیدی به زودی گریبانمان را می‌گیرد. داشتن پول به خصوص داشتن پول بیش از حد، از برخی جهات می‌تواند به اندازه فقیر بودن استرس‌زا و خسته کننده باشد. شاید یک فرد فقیر این جملات را درک نکند. اغلب می‌شنوید که فقرا چنین جملاتی می‌گویند:

«افراد ثروتمند از چه چیزی گله و شکایت دارند؟ ای کاش من هم مشکلات افراد ثروتمند را داشتم!» اما در واقع اصلاً این طور نیست. همیشه بی حوصله بودن، احساس اینکه پوچ و بی فایده زندگی می کنیم، و هدفی نداریم، درست مانند این است که در حبس ابد به سر می بریم. شاید خیلی ها رؤیای چنین وضعیتی را در سر بپرورانند، اما اغلب وضعیت ایده آلی نیست. از آن جایی که اغلب مردم دیدگاه غیر واقعی از ثروتمند بودن دارند به این فکر می کنند که نمی خواهند برای پول کار کنند. اما حقیقت این است که اگر هدف یا کاری برای انجام دادن به صورت روزانه نداشته باشید، در نهایت دچار افسردگی می شوید. با چشم خودم افراد زیادی را دیده ام که می گویند نمی توانند شادی و لذت را در زندگی احساس کنند. آن ها گلف بازی می کنند، و شب ها را در مهمانی های مجلل می گذرانند، اما بعد از مدتی این نوع زندگی دل زده شان می کند. آن ها از چنین زندگی رضایت ندارند. معمولاً میزان اعتیاد به الکل و مواد مخدر میان ثروتمندان بیش از افراد معمولی است. داشتن یک برکه پر از پول تضمین کننده خوشبختی نیست. تا زمانی که چیزی را پیدا نکنید تا به شما شادی و خوشبختی بدهد، هرگز نمی توانید معنای پول شاد را واقعاً تجربه کنید.

آیا ایجاد کردن یک دارایی و داشتن گردش مالی سالم امکان پذیر است؟

مطمئناً تا به این جای کار متوجه شده اید که امنیت مالی واقعی در گرو داشتن یک دارایی مشخص و گردش مالی سالم است. در صورتی که میزان دارایی و گردش مالی کافی را ایجاد کنید متحمل هیچ استرسی نخواهید شد. میزان دارایی و جریان مالی بسته به سبک زندگی، نیازها، و اولویت هایتان متفاوت است. اما چگونه متوجه می شوید که چه میزان دارایی و جریان مالی برایتان مناسب است؟ در صورتی که این عدد را خیلی بالا در

نظر بگیرید ممکن است خود را در دام کار کردن به صورت مداوم و رضایت نداشتن بیاندازید. تصور کنید چه میزان دارایی و چه مقدار گردش مالی برای آرامش تان ایده‌آل است. سپس به دنبال کسی بگردید که چنین سبک زندگی دارد. کسی که او را می‌شناسید و تحسینش می‌کنید. از او بپرسید چگونه به چنین جایگاهی رسیده است؟ اگر با وی ارتباط دارید از او راهنمایی بخواهید. مطمئناً او هم مشتاق به اشتراک گذاشتن دانش و تجربیاتش با شما است. مسلماً این افراد تصادفی به چنین جایگاهی نرسیده‌اند. چنین جایگاهی نتیجه داشتن طرز تفکر خاص برای دست یافتن به موفقیت مالی است. چنانچه در یک شرکت مشغول به کار هستید و فکر می‌کنید آن طور که می‌خواهید پیشرفت نمی‌کنید، یا این‌که احساس می‌کنید کارهای بهتر و بیشتری از دستتان ساخته است، پس لازم است از منطقه آسایش خود خارج شوید و شغل یا موقعیت دیگری را درخواست کنید که برای استعدادها و توانایی‌هایتان مناسب‌تر است و می‌توانید در آن به نحو دلخواهتان مشارکت کنید.

زمانی که به جایگاهی برسید که می‌توانید در آن بیشتر بدرخشید و توانایی‌هایتان را نشان دهید، قدرت جذب ثروتتان افزایش یافته و درآمدها نیز بیشتر می‌شود. یکی از بهترین و رایج‌ترین تمرین‌ها برای تعیین وضعیت مالی ایده‌آل این است که خود را در ۵ سال آینده تصور کنید. لحظه‌ای وقت بگذارید و آن را تجسم کنید. ۵ سال آینده از نظر مالی خود را در کجا می‌بینید؟ دلتان می‌خواهد ۵ سال آینده مشغول انجام چه کاری باشید؟ فکر می‌کنید ۵ سال آینده چگونه می‌توانید با استعدادها و توانایی‌هایتان به دنیا خدمت کنید؟ ۵ سال دیگر چه سبک زندگی را برای خود انتخاب کرده‌اید؟ آیا خوشحالید و لبخند می‌زنید؟ جسورانه ۵ سال آینده زندگی تان را تصور کنید. زمانی مربی خانم جوان خانه‌داری بودم که کسب و کار ۵ سال آینده‌اش را تصور می‌کرد. در عرض ۳ سال

درآمدش از همسرش پیشی گرفت. بعد از این می‌توانید ۱۰ سال آینده‌تان را تصور کنید. از خود بپرسید ده سال آینده من چه کسی هستم؟ مشغول انجام چه کاری هستم؟ با چه کاری، در چه راه‌هایی، و از چه طرقی مشارکت و خدمت می‌کنم؟ وضعیت دارایی من چگونه است؟ چقدر درآمد دارم؟ چگونه به مردم کمک می‌کنم؟ مسلماً اگر این مراحل را انجام دهید به خواسته‌تان می‌رسید.

### سریع و آسان - وقتی پول به سرعت ناپدید می‌شود

در زمینه مالی افراد زیادی را کمک و راهنمایی کردم. اولین سوالی که از مراجعینم می‌پرسم این است که از چه راهی کسب درآمد می‌کنند؟ برخی از مراجعین با ارائه محصولات و خدماتی ارزان قیمت کسب درآمد می‌کنند. دیگران هم طلا و جواهرات گران قیمت معامله می‌کنند. من این توانایی را دارم که با متوجه شدن کسب و کار و تجارت افراد به موارد زیادی در خصوص شخصیتشان پی ببرم. شاید بدیهی به نظر برسد، اما افرادی که دوست دارند کسب و کار خودشان را به شیوه خود راه اندازی کنند و آجر به آجر آن را بنا کنند معمولاً کسب و کارهای معمولی را انتخاب می‌کنند. اما افراد جاه طلب تمایل دارند با سرمایه‌گذاری‌های گران قیمت و پر مخاطره‌تر بیشترین سود ممکن را به دست بیاورند. آن‌ها عاشق این هستند که با لباس پوشیدنشان دیگران را تحت تأثیر قرار دهند. آن‌ها از چیزهای گران قیمت مانند ساعت‌های زیبا و کیف‌های دستی طراحی شده لذت می‌برند. آن‌ها تمایل دارند ماشین‌های گران‌تری برانند. با این حال برحسب تجربیاتم متوجه شدم همان‌گونه که مردم پول را سریع، آسان یا آهسته و پیوسته به دست می‌آورند، به همان طریق هم از دستش می‌دهند. به عنوان مثال داستان‌های فراوانی از سرمایه‌گذاران تجاری موفق شنیده‌ام که اکنون ورشکسته شده‌اند. افراد مشهوری که

ثروت‌های باد آورده‌ای به ارث برده، اما همه آن‌ها را در کوتاه‌ترین زمان ممکن از دست داده‌اند. دوستانی دارم که بیش از یک میلیون نسخه از کتاب‌هایشان را فروخته‌اند، اما با یک سرمایه‌گذاری نابجا تمام ثروتشان را از دست داده‌اند. افراد زیادی را می‌شناسم که تمام پولشان را در توسعه یک فضای اداری جدید از دست داده‌اند. نتیجه داستان این است که اگر حواستان جمع نباشد پولتان را با همان سرعتی که به دست آورده‌اید از دست می‌دهید. درست مانند افرادی که در لاتاری برنده شده‌اند، چون احساس می‌کنند این پول واقعاً برای آن‌ها و حق آن‌ها است، تمایل دارند آن را به دست از دست دهند. یک ضرب المثل قدیمی هست که می‌گوید: «پولی که با سرعت به دست بیاید، با همان سرعت هم از شما دور می‌شود!»

### پول آهسته ثروتمندان می‌کند

اما برخلاف پولی که با سرعت به زندگی‌تان وارد می‌شود، زمانی که پول به آرامی به سراغتان می‌آید هم برای زندگی و هم برای کسب و کارتان بسیار خوب است. افرادی که به آرامی و با گذشت زمان ثروتمند می‌شوند تمایل دارند پول و دارایی‌شان را برای مدت زمان طولانی نگه دارند. به نظر من یکی از دلایلی که افرادی به همان سرعت که دارایی کلانی بدست می‌آورند از دستش می‌دهند این است که هنوز برایش آماده نشده‌اند. از آنجایی که این افراد تجربیات زیادی در جهت استفاده از پول کلان ندارند، معمولاً تصمیمات بد و عجولانه‌ای می‌گیرند که پایه و اساسشان ترس است. و معمولاً طبق یک قاعده کلی تصمیماتی که از روی ترس گرفته می‌شوند تصمیماتی هستند که به جای آنکه روی فراوانی تمرکز داشته باشند، براساس افسانه کمبود گرفته می‌شوند و در نتیجه تصمیمات بد و نادرستی هستند. یکی از مشاغلی که می‌توان در آن میلیونر شد

خشک‌شویی است. شاید خشک‌شویی زرق و برق و اعتبار جواهرسازی را نداشته باشد، اما به خوبی آن‌ها پول درمی‌آورد برخلاف جواهرفروشان که مجبور هستند در طی چندین بازدید محصولشان را به فروش برسانند، تجارت خشک‌شویی مشتریان خود را دارد. آن‌ها با هزینه‌های اندکی هر روز کسب و کارشان را انجام می‌دهند و اگر بتوانند برای مدت طولانی این کار را انجام دهند می‌توانند ثروتمند شوند. درآمد قابل تکرار ثروت زیادی به ارمغان می‌آورد. بنابراین اگر می‌خواهید ثروتمند شوید اولین قدمی که باید بردارید این است: شغلی را برای خود پیدا کنید که واقعاً از انجام دادنش لذت ببرید. شغلی که بتوانید در آن رشد کنید و با دیگران مشارکت نمایید.

فرقی نمی‌کند بخواهید دکتر، وکیل، حسابدار، خشک‌شو، فروشنده طلا و جواهر، مدیر کسب و کار شخصی‌تان، سرآشپز، خرده‌فروش، فروشنده خودرو، نویسنده، هنرمند، خواننده، یا هر چیز دیگری که باشید. در هر کاری میلیونر شدن و موفق شدن کاملاً امکان پذیر است. مهم کاری نیست که انجام می‌دهید، بلکه مهم این است کاری را انجام دهید که مهارت و استعدادهایتان را نشان دهد و کاری باشد که بتوانید برای موفقیت به صورت مداوم انجامش دهید. اصلاً اشکالی ندارد ده سال طول بکشد تا بفهمید چه کاری برایتان مناسب است، اما هنگامی که متوجه شدید چه کاری برایتان مناسب است باید آن را به خوبی انجام دهید و این‌گونه هیچ چیز مانع موفقیتتان نخواهد شد. شاید چند سال اول جریان ثروت کند باشد، اما وقتی کارتان را تثبیت کردید شروع به کسب پول شاد می‌کنید.



## به جایی بروید که پول در جریان است

از آن جایی که پول انرژی است، به جایی سرازیر می‌شود که از پیش انرژی در آن وجود داشته باشد. به عبارتی پول به جایی سرازیر نمی‌شود که کسی یا چیزی در آن نباشد. فرصت‌های زیادی در شهرهای بزرگی مانند نیویورک، لندن، پاریس، شانگهای، و توکیو وجود دارد. جایی که افراد زیادی گرد هم جمع شوند، پول هم آن‌جا جریان پیدا می‌کند. درست به همین دلیل است که شهرهای بزرگ، بزرگ‌تر می‌شوند و افراد بیشتری از اطراف شهرها راهی شهرهای بزرگ می‌شوند. اکنون بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرهای بزرگ ساکن هستند و انتظار می‌رود در دهه‌های آینده تعداد این افراد بیشتر هم شود. به همین دلیل اگر خواهان پول بیشتری هستید، بهتر است به جای این که در دور دست‌ها و جنگل‌ها زندگی کنید، زندگی شهری را انتخاب کنید. وجود اینترنت شرایط را به کلی تغییر داده است و افراد زیادی در سیلیکون ولی گرد هم جمع شدند تا از فرصت‌های زیاد آن استفاده کنند. فرصت‌هایی مانند کسب و کار اینترنتی، دیدار کردن با سرمایه‌گذاران، بازاریابان، نمایندگان روابط عمومی، و مهندسان. در چنین شرایطی بهتر است به جایی بروید که مردم در آن‌جا حضور دارند:

مردم = انرژی = پول.

زمانی که جریان پول خیلی زیاد و سریع باشد، در لذت بردن از آن به مشکل بر می‌خورید. این امر می‌تواند باعث ایجاد اختلال در نیرو شود. تصور کنید درآمدتان ده برابر، هزینه‌هایتان ده برابر، و نگرانی‌های مالیاتان هم ده برابر می‌شود. چنانچه این جریان خیلی سریع اتفاق بیفتد و برایش آماده نشوید، به راحتی ممکن است در آن غرق شوید. برخی از افراد حتی نمی‌دانند با این نوع از جریان چه کنند. اما از کجا بفهمیم مقدار جریان

مناسب برای ما چقدر است؟ مقدار جریان مناسب از طریق احساس به شما القا می‌شود و این موضوعی شخصی و فردی است. برخی از افراد با جریان سه هزار دلاری در هر ماه مشکلی ندارد. و بعضی‌ها هم به مقدار بیشتری نیاز دارند. دارایی‌های برخی هم به اندازه‌ای زیاد است که توان پیگیری کردن آن را ندارند و حس می‌کنند روی دوششان سنگینی می‌کند. پس به دنبال جریانی بروید که به شما احساس آرامش می‌دهد. اکنون که می‌دانید جریان چگونه کار می‌کند، چگونه می‌توانید مغناطیس پول باشید، و به چه جریانی نیاز دارید تا زندگی راحت و شادی داشته باشید، زمانش فرا رسیده است تا جریان مناسب‌تان را پیدا کنید. اما جریان مناسب را از کجا پیدا کنید؟ زمانی که به این جریان ملحق شوید آن را درک می‌کنید. می‌دانم به نظر پیچیده می‌رسد چون دقیقاً هم همین طور است. در جریان بودن به معنی غوطه ور شدن در لحظه است.

در این صورت هیچ استرس و فشاری را احساس نمی‌کنید. گذر زمان را به خوبی و آرامی حس می‌کنید. بدون زحمت و ملالت می‌توانید از مهارت‌ها و استعدادهایتان استفاده کنید و ببینید چگونه به کمک آن‌ها کار مفیدی انجام می‌دهید و تفاوت ایجاد می‌کنید. متوجه می‌شوید که در جریان هستید؛ زیرا به طرز عجیبی اصلاً احساس نمی‌کنید در حال کار کردن هستید. کسب درآمد از راه شاد بیشتر برایتان شبیه یک بازی است. و وقتی احساس می‌کنید در حال بازی کردن هستید به جریان درستی پیوسته‌اید. اما اگر این حس به شما دست نداد باید به جست و جوی خود ادامه دهید. افراد سالم در جریان پول شاد و سرگرم‌کننده زندگی می‌کنند؛ زیرا هر کاری که انجام می‌دهند پول را جذب می‌کند و پول را به نحوی خرج می‌کنند که موجب خوشحالی‌شان شود. این افراد از زندگی‌شان هیچ شکایتی ندارند. یکی از نکات جالب در مورد پول این است که هر چه اجازه دهید بیشتر جریان پیدا کند، به این معنی که هر چه بیشتر آن را به اشتراک بگذارید، جریان به طرز قوی‌تری رشد می‌کند. اجازه دهید دو دوست را تصور کنیم: دوستی که همیشه

به شما نکات، فرصت‌ها، و کارهای جدید می‌دهد و مشتریان و مراجعین مختلفی را به شما معرفی می‌کند، اما دوست دیگر هیچ یک از این کارها را انجام نمی‌دهد. اگر بخواهید با یکی از این دو نفر معامله کنید چه کسی را انتخاب می‌کنید؟

### پیدا کردن همراهان مناسب

برای پیدا کردن جریان مناسب ابتدا باید افراد همراهمان را پیدا کنید. افراد همراه گروهی هستند که با آن‌ها هم نوا، هم فکر، و هم صدا هستید. آن‌ها از کاری که انجام می‌دهید و از کسی که هستید تقدیر و قدردانی می‌کنند. آن‌ها حامی شما بوده و محصولات و خدماتتان را می‌خرند. آن‌ها شما را شاد و سرحال نگه می‌دارند و دائماً به دنبال موفقیت و متجلی شدنتان هستند. همراهمان الزاماً نباید افراد خانواده‌تان باشند. با توجه به جهانی بودن اقتصاد، همراهمان مالی می‌توانند در هر نقطه از جهان باشند. اگر بدانید همراهمان چه کسانی هستند زندگی برایتان آسان‌تر می‌شود. همراهمان می‌توانند افراد هنرمند، دانشجویان، یا کارآفرینان باشند. فارغ از این که همراهمان چه کسانی هستند، به محض این که به آن‌ها احساس تعلق خاطر کنید کنارشان امنیت و آرامش دارید؛ زیرا چیزهای زیادی را با هم به اشتراک می‌گذارید. آن‌ها از احساساتان، از کاری که انجام می‌دهید، و مهم‌تر از همه از کسی که هستید قدردانی می‌کنند. زمانی که با همراهمان خود هستید احساس امنیت و آرامش خاطر و تعلق می‌کنید و در هر کاری که انجام دهید به طور طبیعی به نتیجه مطلوب دست پیدا می‌کنید.

## از کمترین‌ها، بیشترین نتیجه را بگیرید

این‌که مدام حس کنید بیشتر و بیشتر می‌خواهید و لیاقت چیزهای بیشتری را دارید شیوه‌ای خطرناک برای زندگی کردن است. حقیقتاً غیر ممکن است که همیشه بیشتر و بیشتر بدست بیاوریم. اما تقریباً همه فشاری را که وجود دارد احساس می‌کنند و بنابراین بیشتر و بیشتر می‌خواهند. این روزها کودکان بیش از پیش از بی‌حوصلگی شکایت می‌کنند و والدین خود را موظف می‌دانند تا وسیله سرگرمی‌شان را فراهم کنند. پدران برای به دست آوردن پول بیشتر، گردش و تفریح بیشتر، و به دست آوردن پیشنهادهای کاری بیشتر احساس فشار می‌کنند. زمانی که نمی‌توانیم بیش از آن‌چه که در توان داریم ارائه دهیم، احساس گناه می‌کنیم. همه ما تمایل داریم بیشتر، بیشتر، و بیشتر داشته باشیم. اما نمی‌توانیم احساساتمان را به خوبی در قالب کلمات توصیف کنیم. حتی رهبران و افراد الگو هم به طور مداوم برای بیشتر داشتن تلاش می‌کنند. اما اوضاع و شرایط رو به تغییر است و برخی از ما از این سبک زندگی خسته شدیم.

همان طوری که پیش‌تر گفتم وقتی بیست و نه ساله بودم تصمیم گرفتم برای بزرگ کردن دخترم تقریباً بازنشسته شوم. اغلب به شوخی می‌گویم: «زمانی که از زیاد کار کردن به کم‌تر کار کردن گذار کردم، سر خود را از همیشه شلوغ‌تر دیدم!» از قضا زمانی که باید زندگی را برای خود آسان می‌گرفتم (تا آن‌جا که ممکن است برای یک پدر خانه‌نشین که قرار است از کودک نوپایش مراقبت کنند) استرس بیشتری وارد زندگی‌ام شد. می‌توانید دیوانه‌وار مشغول کار باشید و همچنان احساس آرامش کنید. و از طرف دیگر می‌توانید یک برنامه اغلب خالی داشته باشید و از نظر ذهنی فشار و استرس شدیدی داشته باشید. فکر می‌کنید تا پیش از زمانی که از هم پاشیده شوید چقدر می‌توانید به این شکل ادامه دهید؟ به نظر می‌رسد در عصری که در آن زندگی می‌کنیم، در لحظاتی که مشغله کاری کمتری داریم، ذهنمان با سرعت هزاران کیلومتر بر ساعت می‌چرخد.

البته نباید انجام دادن کاری که دوستش دارید و رها کردن هر چیزی که به آن نیاز ندارید این‌گونه باشد. تنها کاری که باید انجام دهید این است که لحظه‌ای درنگ کنید و به آن چه که می‌خواهید فکر کنید و در آن مسیر حرکت کنید. زندگی را تصور کنید که در آن با افرادی که دوست دارید در تعامل هستید، در مکانی که دوست دارید زندگی می‌کنید، و کارهایی را انجام می‌دهید که به آن‌ها علاقه دارید. آیا فکر می‌کنید با انجام دادن این کار کم‌تر خوشحال می‌شوید؟ یا با انجام دادن کارهای کم‌تر خوشحال می‌شوید؟

### ایجاد جریان به معنای به اشتراک گذاشتن جریانتان است

لازم نیست برای شروع کردن ایجاد جریان چیزی داشته باشید. تمام میلیونرهای خود ساخته با دست خالی شروع کردند. اما چرا بعدها این قدر موفق شدند؟ موفقیت آن‌ها به این دلیل است که داشته‌هایشان را با چیز بهتری مبادله می‌کردند. آن‌ها از صمیم قلب و با اشتیاق، دارایی‌هایشان را به اشتراک گذاشتند. همه افراد دوست دارند از افراد پرشور و شوق حمایت کنند. همین‌جا مشاهده می‌کنید افراد پرشور به خوبی مورد حمایت دیگران قرار می‌گیرند. این در طبیعت ماست که وقتی ببینیم کسی سخت کار می‌کند از او حمایت کنیم.

### چه تعداد دوست دارید؟

من هیچ‌گونه نگرانی مالی ندارم. دلیلش پول و ثروت زیاد نیست، بلکه دوستان خوبی است که دارم. روز قبل حساب کردم که چند دوست قابل اعتماد دارم و توانستم بیش از ۵۰ نفر را نام ببرم. بنابراین اگر همه چیزم را از دست دهم می‌توانم پیش دوستانم بروم و از هر کدام بخواهم اجازه دهند یک هفته کنارشان بمانم. می‌توانم از آن‌ها خواهش کنم

تا اجازه دهند مدتی را کنارشان زندگی کنم. من می‌توانم از بچه‌هایشان نگه‌داری کنم. کارهای خانه را انجام دهم. بدون قضاوت کردن به مسائل زندگی‌شان گوش دهم. در واقع من یک مهمان خوب هستم. می‌توانم دست‌شویی را نظافت کنم، ظرف‌ها را بشویم، و لامپ‌ها را تعویض کنم. بعد از آن که مدت اقامتم در کنار یک دوست تمام شد، می‌توانم سراغ دوست دیگرم بروم و بعد از پایان ۵۰ هفته مجدداً می‌توانم به دوست اولم مراجعه کنم و از او بخواهم تا اجازه دهد مدتی با او زندگی کنم. حتی اگر پول نداشتم می‌توانستم تا آخر عمر در آرامش و هماهنگی زندگی کنم. بسیاری از مردم می‌گویند پنجاه دوست ندارند و خیلی‌ها می‌گویند داشتن این همه دوست در آمریکا بسیار سخت است. آمریکا جایی است که از شما انتظار می‌رود بار همه چیز را به تنهایی به دوش بکشید. حتی از بچه‌ها هم انتظار می‌رود بلافاصله پس از اتمام دوران مدرسه خانه را ترک کنند.

شاید چنین طرز تفکری درست باشد، اما فرهنگ در حال تغییر و تحول است. همه افراد در سرتاسر جهان به این باور رسیده‌اند که داشتن یک شبکه قوی از دوستان تا چه اندازه مهم است. بنابراین از چیزهای کوچک شروع کنید. ۵ یا ۱۰ دوست با ارزش را که بتوانید رویشان حساب کنید برای خود دست و پا کنید. در این صورت می‌توانید چیزی حدود یک ماه را با دوستانتان سپری کنید تا زمانی که بتوانید مجدد مجدداً روی پای خود بایستید. البته مفهوم این عبارت آن نیست که چند دوست دارید که به آن‌ها تکیه کنید یا اینکه باید و نباید به آن‌ها اعتماد کنید. بلکه تأکید بر این است باید بتوانید به زندگی بدون پول اعتماد کنید و این را به عنوان یک تمرین ذهنی انجام دهید. اگر پول نداشته باشید می‌توانید روی چه چیزهای دیگری حساب باز کنید. شاید هیچ‌گاه قرار نباشد برای یک سال با دوستانتان زندگی کنید، اما وقتی بدانید در صورت بی‌پول شدن قرار نیست بار آن را تنهایی به دوش بکشید برایتان آرامش زیادی به ارمغان می‌آورد. شما نمی‌ترسید تمام سرمایه یا دارایی خود را از دست داده و بی‌پول شوید، بلکه از تنهایی می‌ترسید. از

این می‌توانید که نتوانید زندگی کنید یا غذایتان را تأمین کنید. نکته حائز اهمیت این است که بدانید حتی اگر پولی نداشته باشید اما خانواده یا دوستانی دارید که می‌توانید رویشان حساب باز کنید تا با محبت و مهربانی از شما حمایت کند در این صورت چیزی برای ترسیدن باقی نخواهد ماند. به این ترتیب احساس شادی و قدردانی شما را در بر می‌گیرد و می‌توانید از آن به عنوان یک انگیزه مثبت برای انجام کارهای روزانه استفاده کنید. در حال حاضر بسیاری از مردم در دام ترس گرفتار شده‌اند. آن‌ها به واسطه ترس نمی‌خواهند شغلی را که به آن علاقه‌ای ندارند ترک کنند. آن‌ها مدام به خود می‌گویند چنانچه شغل و درآمدشان را از دست دهند دیگر نمی‌توانند زندگی کنند و این را واقعی می‌پندارند. اما آیا چنین است؟ پاسخ منفی است. همیشه راهی برای زندگی کردن و شکوفاییتان وجود دارد. نخستین گام این است که به همه چیز از دید متفاوتی نگاه کنید و بدانید امنیت واقعی‌تان به میزان پولتان بستگی ندارد. مهم این است چه کسانی را می‌شناسید و به چه کسانی اعتماد دارید.

### همیشه به پولت «آریگاتو» بگو!

مربی‌ام واهی تا کدا یک راز مالی را به من آموخت. او گفت راز افزایش پیدا کردن پول این است که هر زمان پولی به دست می‌آورد بابت آن تشکر کنید و هر زمان هم که پولتان را خرج می‌کنید از این بابت قدردان و سپاس‌گزار باشید.

### اعتماد کردن به جریان مالی، اعتماد کردن به زندگی‌تان است!

تا به اینجای کار متوجه شده‌اید که اعتماد کردن به جریان پول در واقع اعتماد کردن به آینده‌تان هست. شما متوجه شده‌اید چیزی که واقعاً نگرانش هستید پول نیست. شما

نگران آینده‌تان هستید. شما نگران هستید که آیا می‌توانید پولی فعلی خود را نگه دارید؟ یا می‌توانید به اندازه کافی برای زنده ماندن و امرار معاش و کسب درآمد کنید؟ و این احساس شرم احساسی شبیه به خفگی به شما می‌دهد. هنگامی که این مکانیسم روانی را درک کردید می‌دانید چطور باید با اعتماد کردن کنار بیایید. تا زمانی که به درستی با مسئله اعتماد کردن کنار نیایید، صرف نظر از هر میزان درآمدی که دارید یا پس‌اندازتان هرگز نمی‌توانید نگرانی مالی خود را متوقف کنید. در صورتی که بتوانید به زندگی و آینده‌تان اعتماد کنید، نگرانی‌های مالی‌تان به کلی از بین می‌رود. شما می‌توانید روی خود، توانایی‌ها، و مهارت‌هایتان و همچنین روی شبکه پشتیبان دوستان‌تان حساب کنید. باید به جریان‌تان اعتماد کنید. اگر در جریان عادی خود اختلالی احساس می‌کنید این بهترین فرصت است تا چیز جدیدی را امتحان کنید. ممکن است زمان ایجاد کردن یک جریان متفاوت فرا رسیده باشد. اگر احساس می‌کنید در چنین جریانی گیر افتاده‌اید، بهتر است از کسی که به او اعتماد دارید کمک بگیرید.

حتماً کسی برای حمایت کردن از شما پیدا می‌شود. اگر کمک نخواهید کسی نمی‌داند مشکلی دارید و به کمک نیاز دارید. درست است شاید درخواست کردن از دیگران اندکی سخت باشد، اما این ترس شما است که مانع از دریافت کردن حمایت و پشتیبانی می‌شود. از اینکه دیگران در موردتان چه فکری می‌کنند می‌ترسید یا نگران هستید که دیگران قضاوت‌تان کنند. باز هم باید چنین ترسی را با اعتماد جایگزین کنید. باید باور کنید دیگران به اندازه کافی خوب هستند و دوست دارند به شما کمک کنند. بگذارید به شما اطمینان دهند همه مردم کمک کردن به دیگران را دوست دارند. افراد خوب‌تر از چیزی هستند که فکر می‌کنید. به محض این‌که از آن‌ها درخواست کمک کنید، متوجه می‌شوید دنیا پر از افراد شاد، خوب، و دوست داشتنی است که برای حمایت از شما حاضر هستند. من در طول این سال‌ها آموخته‌ام که چگونه از دیگران درخواست کمک کنم. شاید در



ابتدا کمی احساس خجالت یا احساس ناخوشایندی به شما دست دهد، اما هنگامی که این کار را انجام دهید برایتان آسان تر می شود و نتایج بسیار شگفت انگیز خواهند بود. هرگز نمی دانید چه چیزی در انتظارتان است. باید تسلیم شوید و وقتی تسلیم می شوید شاهد وقوع معجزاتی خواهید بود. همه ما داستان های افرادی را شنیده ایم که درخواست کمک کردند و به طور معجزه آسایی کمک های شگفت انگیزی دریافت کردند. اطمینان می دهم وقتی چنین تجربه ای داشته باشید، دنیایتان هرگز مثل قبل نخواهد بود.

### چگونه می توان جریان پول شاد را ایجاد کرد؟

راه های مختلفی برای ایجاد کردن یک جریان مالی شاد وجود دارد. چنانچه چنین جریان مالی را ندارید، در این قسمت ۱۰ روش برتر را برای ایجاد کردن جریان مالی شاد در اختیارتان قرار داده ام:

#### ۱. کمک مالی کنید

اهدا کردن پول و انجام امور خیر شیوه ای بسیار عالی برای ایجاد کردن جریان پول شاد است. لازم نیست حتما ثروت کلانی را به امور خیریه اختصاص دهید. تنها بخشیدن یک دلار تفاوت بزرگی ایجاد کرده و احساس خوبی به شما می دهد. اهدا کردن پول به خیریه به ذهن و تمام انرژی که اطرافتان را احاطه کرده است این پیغام را می فرستد که به اندازه کافی پول دارید. شما غرق در فراوانی هستید، بنابراین نیاز نیست بترسید یا نگرانی مالی داشته باشید. گروه خیریه ای را پیدا کنید که اهداف و مقاصدش برایتان معنادار بوده و با باورهایتان همسو باشد.

## ۲. به دوستانتان پول بدهید

احتمالاً برای شما هم پیش آمده که پولتان را به کسی قرض داده باشید یا پولتان را به آن‌ها بدهید تا سرمایه‌گذاری کنند. پولی که به عزیزانتان می‌دهید پولی شاد است. هر کسی در مقطعی خاص در زندگی به مقداری پول نیاز دارد. ممکن است منابع کافی را برای تأمین مالی خود در اختیار داشته باشید. من همواره به نزدیکانم برای دنبال کردن رؤیاهایشان پول قرض می‌دهم. با این کار این احساس در شما ایجاد می‌شود که با پولتان به دیگران خدمت کرده و از زندگی و رؤیاهایشان حمایت می‌کنید و هیچ احساسی در دنیا بهتر از این حس وجود ندارد.

## ۳. برای دوستانتان هدیه بفرستید

یک شیوه عالی برای خرج کردن پول و ایجاد کردن جریان پول شاد، فرستادن هدایا برای دوستان و نزدیکان است. ما در خانه‌مان یک کمد را به هدایای دوستانمان اختصاص دادیم. هر وقت به خرید می‌رویم، بیشتر برای دوستانمان خرید می‌کنیم تا خودمان. چند روز پیش من و همسرم به خرید رفتیم. پول هدایا را پرداختیم و کیسه‌های خرید را با خود حمل کردم. وقتی به سمت ماشین می‌رفتیم هر دو دستم پر از جعبه کادو بود. بیش از ده کادوی بزرگ و کوچک برای دوستانمان خریدیم. هیچ کدامشان برای خودمان نبودند. نتوانستیم چیز مناسبی برای خودمان پیدا کنیم، اما در عوض هدایای زیادی برای دوستان و نزدیکان تهیه کردیم. الزاماً نباید هدایای گران قیمت تهیه کنیم. شاید خرید یک جعبه چای گیاهی بهترین هدیه باشد. هدیه خریدن برای دیگران هم آن‌ها و هم شما را خوشحال می‌کند.

#### ۴. همیشه چیزی اضافه بدهید

اگر قرار است به کسی چیزی بدهید، همیشه سعی کنید بیشتر از چیزی که از شما درخواست کرده است در اختیارش قرار دهید. وقتی در موقعیتی قرار می‌گیریم که نیاز به درخواست کمک یا قرض گرفتن پول داریم، معمولاً کم‌تر از چیزی که واقعاً نیاز داریم درخواست می‌کنیم؛ چون احساس شرمندگی می‌کنیم. به همین دلیل وقتی کسی نزدتان آمد و چیزی خواست، سعی کنید نیازش را به درستی درک کرده و بیشتر از چیزی که از شما درخواست کرده به او بدهید. اگر کسی از شما یک خودکار خواست، یک دفترچه هم به او بدهید. چنانچه مدیری هستید که کارمند جدیدی استخدام می‌کنید، کمی بیشتر از حقوقی که کارمند درخواست کرده به او بدهید. اگر در حال مذاکره با مشتریانتان هستید، ببینید کجا و چگونه می‌توانید خدماتی اضافی به آن‌ها ارائه دهید. وقتی بیش از چیزی که از ما درخواست شده ارائه می‌دهیم، انرژی ترس و خجالت را به یک نیروی مثبت تبدیل می‌کنیم. فرد درخواست کننده احساس می‌کند دوست داشته شده و مورد توجه قرار گرفته است. این کار درست مانند سرمایه‌گذاری بر روی رفاه عاطفی خود، اطرافیانمان، و جامعه است.

#### ۵. بیش از آنچه از شما خواسته می‌شود پرداخت کنید

این یکی از تعجب‌آورترین موارد برای اغلب مردم است. زمانی که صورت حسابی دریافت می‌کنم، آن را در اسرع وقت پرداخت می‌کنم. گاهی هم برای نشان دادن قدردانی و سپاسگزاری‌ام، کمی بیشتر از مبلغی که از من درخواست شده است پرداخت می‌کنم. این کار تعجب بسیاری از افراد را برمی‌انگیزد. آن‌ها چنین می‌گویند که در تمام دوران حرفه‌ای شان هرگز بیش از چیزی که درخواست کرده‌اند، دریافت نکرده‌اند. مردم معمولاً وقتی

کمتر از چیزی که می‌خواهند دریافت می‌کنند، ناراحت می‌شوند. اما با دریافت چیزی بیشتر از مبلغ درخواستی، شوکه می‌شوند. واکنش‌هایشان هنگام دریافت کردن مبلغ اضلفه برایم بسیار جالب است. در کل مردم عادت ندارند حقوق بیشتری بگیرند. و من با این کار سعی می‌کنم نظر دیگران را در مورد پرداخت کردن صورت حساب‌ها عوض کنم. و این کار به من لذت فراوانی می‌دهد.

#### ۶. یک هدیه یا کارت برای مشتریان یا ریاستان ارسال کنید

ما اغلب فراموش می‌کنیم دریافت کردن پول از جانب مراجعین، مشتریان، و یا رؤسایمان تا چه حد معجزه آسا است. آن‌ها می‌توانستند افراد دیگری را به جای ما انتخاب کرده و به آن‌ها پول دهند، اما ما را انتخاب کرده‌اند. برای مثال اگر نظافتچی هستید آن‌ها می‌توانستند نظافتچی دیگری انتخاب کند، اما شما را برگزیدند. می‌توانید با ارسال کردن یک کارت پستال یا هدیه، قدردانی خود را از آن‌ها نشان دهید. هر وقت به کتاب فروشی می‌روم، در حجم عظیم صدها قفسه کتاب غرق می‌شوم و شگفت زده می‌شوم که مردم از میان این همه کتاب چگونه کتاب‌های من را انتخاب می‌کنند و می‌خرند. تقریباً چنین کاری غیر ممکن به نظر می‌رسد که بخواهند از بین صدها کتاب، کتاب‌های مرا انتخاب کنند. من عمیقاً از تمام خوانندگان و مخاطبانم تشکر می‌کنم. برای اینکه قدردانی خود را نشان دهید برای مخاطبان و مشتریانتان چیزهایی بفرستید. اگر در شرکتی کار می‌کنید، می‌توانید از رئیس‌تان تشکر کنید. جالب اینجاست که اگر مدام از دیگران قدردانی کنید، آن‌ها در اولین فرصت شما را به یاد می‌آورند و وقتی بخواهند جبران کنند، مسلماً شما اولین کسی هستید که در ذهنشان تداعی می‌شود.

## ۷. با دریافت کردن پول خوشحال شوید

همه ما با دریافت کردن پول احساس شادی می‌کنیم، اما معمولاً سعی می‌کنیم احساسمان را پنهان کنیم؛ چون از ابراز کردنش خجالت می‌کشیم. به بسیاری از ما آموخته‌اند تا احساساتمان را سرکوب کنیم و هرگز و تحت هیچ شرایطی در مورد پول صحبت نکنیم. شاید ابراز خوشحالی کردن بابت دریافت یک هدیه تولد اشکالی نداشته باشد، اما معمولاً به دلایل مشخصی وقتی پولی دریافت می‌کنیم خوشحالی‌مان را نشان نمی‌دهیم. از شما می‌خواهم هر زمانی که پولی دریافت می‌کنید احساس شادی و خوشحالی‌تان را نشان داده و ابراز کنید. زمانی که این احساس شادی ناشی از دریافت پول را به نمایش بگذارید، افرادی که این هدیه را به شما داده‌اند احساس می‌کنند باید دوباره با انجام دادن این کار خوشحالتان کنند.

دیدن یک چهره شاد برای همه رضایت بخش است. ابراز خوشحالی کردن بابت دریافت پول اضافی همیشه عالی است. برای مثال روز قبل یک کوپن دو دلاری در یک فروشگاه مواد غذایی دریافت کردم. با خودم گفتم: «وای عالی است. خیلی خوشحالم!» فردی که کنارم بود به من لبخند زد. چون از خندیدن و شادی من خوشش آمد. او می‌خواست شاهد لبخند من برای کوپن دو دلاری باشد. پس من هم تا جایی که توانستم بهترین لبخندم را به او هدیه دادم. آیا تا به حال برای خوشحال کردن صاحب مغازه یا فروشگاه‌ای که می‌شناسید از او خرید کرده‌اید؟ فرقی ندارد فروشگاه مواد غذایی باشد یا هر چیز دیگر. لبخند زدن در قبال دریافت هدیه یا پول راهی قدرتمند برای حفظ کردن جریان پول شاد است.

## ۸. با خرج کردن پول خوشحال شوید

نکته مهمی را از استادم آموختم. این که هر زمان پولم را خرج کردم؛ در ذهنم این عبارت را زمزمه کنم: «امیدوارم این پول به شما و عزیزانتان برکت دهد!» زیرا با پولی که دریافت می‌شود، برای خود و عزیزانشان کالا یا خدماتی تهیه کرده یا با آن کاری انجام می‌دهند. همیشه در ذهنتان به هنگام دادن پول به کسی، برای آن شخص و عزیزانش آرزوی فراوانی و برکت کنید. با این کار جریان پول‌تان را به جریان پول شاد تبدیل می‌کنید. پیش از خواب به یاد بیاورید در روز به چه کسانی پول داده‌اید و تمام اتفاقات شگفت‌انگیزی را که ممکن است برایشان رقم بخورد تصور کنید. چنانچه با این نگرش زندگی کنید، مردم متوجه نیت خوبتان می‌شوند. بدون اینکه چیزی بگویند، مردم انرژی مثبت و وجود دوست داشتنی‌تان را احساس می‌کنند.

## ۹. از کسی که دوستش دارید خرید کنید

با روی کار آمدن خرید اینترنتی، بیشتر از خرید فیزیکی خرید آنلاین انجام می‌دهیم. اما واقعاً خرید کردن از یک فروشگاه به صورت فیزیکی بسیار سرگرم‌کننده است. به همین دلیل است که هنوز مراکز خرید و فروشگاه‌های کوچک و بزرگی وجود دارند. اگر همچنان به خرید آنلاین ادامه دهیم، در نهایت هیچ فروشگاه‌های باقی نخواهد ماند. فروشگاه‌های محلی در شادی، خوشحالی و زندگی ما بسیار مهم هستند. دلیل این‌که همچنان این فروشگاه‌ها پا بر جا هستند آن است که مردم همچنان می‌خواهند چیزها را ببینند، لمس کنند، از آن‌ها الهام بگیرند و با یکدیگر تعاملات انسانی داشته باشند. ما تمایل داریم به جایی برویم که مردم در آن جا حضور دارند و انرژی زیادش را دریافت کنیم. با خرید کردن از کسی که به او علاقه داریم، حتی اگر بتوانیم خریدمان را به صورت اینترنتی یا

از جایی که قیمت بهتری دارد تهیه کنیم، باعث می‌شویم تجارت و کسب و کار آن فرد سر پا بماند. به علاوه، ما این شخص را خوشحال کرده و جریان پولش را در گردش قرار می‌دهیم. بنابراین هر زمان که قصد خرید کردن دارید، از مکان مورد علاقه و از فروشنده مورد علاقه‌تان خرید کنید. این کار به شما احساس خوبی می‌دهد. شما می‌توانید به صورت آنلاین هم خرید کنید. می‌توانید از یک فروشگاه اینترنتی که آن را دوست دارید و نسبت به آن احساس خوبی دارید خرید کنید تا جریان پول شاد را هم برای خود و هم برای آن‌ها به گردش درآورید

#### ۱۰. برای همه چیز قدردان و سپاسگزار باشید

من عمیق‌ترین و دقیق‌ترین درس‌های مالی را از مربی ثروت واهی تا کدا آموختم. او داستان مردی را برایم تعریف کرد که نا امیدانه نزدش آمده بود. این مرد زیر بار بدهی بسیاری بود و نیاز مبرمی به پول داشت. واهی به مرد گفت این مبلغ پول را به او می‌دهد به شرطی که ۱۰۰ هزار مرتبه به پولش آریگاتو (ممنونم) بگوید. این بدان معنا بود که آن مرد مجبور بود برای ماه‌ها هر دقیقه از روز آریگاتو بگوید. مرد هم با این شرط موافقت کرد. اما وقتی باید برای قرض گرفتن پول مراجعه کرد، دیگر به این پول نیازی نداشت. اما چرا؟ زمانی که طرز فکر قدردانی را در خود پرورش دهید، پاداش‌هایش را هم دریافت خواهید کرد. او بدهی‌هایش را پرداخت و دیگر نیازی به قرض گرفتن پول نداشت. وقتی از پولمان تشکر می‌کنیم و به آن آریگاتو می‌گوییم، انرژی قدرتمندی را در جهان اطراف آزاد می‌کنیم. آریگاتو گفتن باعث می‌شود در لحظه حال زندگی کنیم. متوجه شویم هر آن‌چه که داریم برایمان کافی است. خود ما هم به اندازه کافی هستیم و هم به اندازه کافی داریم. ما هر چیزی را که بدان نیاز داریم در اختیار داریم. دانستن این موضوع و باور

داشتن به آن، قوی‌ترین نیرو در جهان هستی است. وقتی قدردانی را در خود پرورش دهید و ذهنیت قدردان بودن را در خود ایجاد کنید، به معنای واقعی کلمه می‌توانید به هر چیزی که می‌خواهید دست پیدا کنید. آیا می‌خواهید ثروتمند شوید؟ می‌خواهید خوشحال و شاد باشید؟ می‌خواهید در صلح و آرامش زندگی کنید؟ خیلی ساده است! تنها بگویید آریگاتو یا متشکرم.